

زیبایی‌شناسی شعر کودک با محوریت آثار شعبان‌نژاد، کیانوش، و کشاورز

عباس صیادی دریاکناری، مجید عزیزی*، شاهرخ حکمت

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

آذر ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۹، صفحات ۲۳۵-۲۵۷

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۵۶۷

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: شعر کودک یکی از انواع ادبیات کودک است که ویژگیهای خاص خود را دارد. آهنگین و موسیقایی بودن، استفاده از اوزان و قوافی متناسب با سن آنها، زبان ساده، مضامین زیبا و عناصر خیال‌انگیز مهمترین ویژگیهایی است که شاعران این حوزه باید مدنظر قرار دهند. زیبایی اشعار این گروه سنی سبب بارور شدن ذوق موسیقایی و قریحه زیبایی‌شناسی آنان خواهد شد. این جستار با هدف بازتاب زیبایی‌شناسی ادبیات منظوم کودک با محوریت اشعار افسانه شعبان‌نژاد، محمود کیانوش، و ناصر کشاورز انجام شده است.

روش مطالعه: روش پژوهش در پیش رو توصیفی - تحلیلی است که در آن داده‌ها و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای گردآوری و نمودار فراوانی نیز ترسیم شده است.

یافته‌ها: شعبان‌نژاد، کیانوش و کشاورز با استفاده از وزنهای متنوع و شاد، قافیه مطلوب، ردیفهای متنوع، انواع تکرار و جناس که مهمترین صنایع لفظی هستند و استفاده از صور خیال یعنی تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز و نیز تشخیص، حس‌آمیزی، تناسب، تضاد و اغراق بر زیبایی سروده‌های خود و جذب مخاطبان کودک افزوده‌اند.

نتیجه‌گیری: بررسی زیبایی‌شناسی در سروده‌های کودکان سه شاعر نشان داد در بخش مربوط به اوزان، تنوع در سروده‌های کشاورز چشمگیرتر است. در استفاده از صورخیال و آرایه‌های بدیعی نیز، بهره‌گیری ناصر کشاورز از آرایه‌های تکرار، حس‌آمیزی، تناسب، تضاد و اغراق در زیباسازی و جذب مخاطب بیش از کیانوش و شعبان‌نژاد بوده است و کیانوش در کاربرد انواع صورخیال (تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز) و جناس و تشخیص نسبت به کشاورز و شعبان‌نژاد توجه بیشتری نشان داده است.

تاریخ دریافت: ۱۱ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۱۳ مهر ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۲۷ مهر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۵ آذر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

زیبایی‌شناسی، شعر کودک، افسانه شعبان‌نژاد، محمود کیانوش و ناصر کشاورز.

* نویسنده مسئول:

m-azizi@iau-arak.ac.ir

۳۴۱۳۲۴۵۱ (+۹۸ ۸۶)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Aesthetics of children's poetry with the focus on the works of Sh'abannejad, Kianoosh and Keshavarz

A.Sayyadi Daryakenari, M. Azizi*, Sh. Hekmat

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۲ September ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۵ October ۲۰۲۱

Revised: ۱۹ October ۲۰۲۱

Accepted: ۰۶ December ۲۰۲۱

KEYWORDS

Aesthetics, Children's Poetry,
Afsaneh Shabannejad,
Mahmoud Kianoosh and Nasser
Keshavarz.

*Corresponding Author

✉ m-azizi@iau-arak.ac.ir

☎ (+۹۸ ۸۶) ۳۴۱۳۲۴۵۱

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Children's poetry is one of the types of children's literature that has its own characteristics. Rhythmic and musical, the use of weights and rhymes appropriate to their age, simple language, beautiful themes and imaginative elements are the most important features that poets in this field should consider. The beauty of the poems of this age group will fertilize their musical taste and aesthetic talent. This research has been done with the aim of reflecting the aesthetics of children's poetic literature with the focus on the poems of Afsaneh Shabannejad, Mahmoud Kianoosh and Nasser Keshavarz.

METHODOLOGY: The research method is descriptive-analytical in which data and information are collected by library method and many diagrams are drawn.

FINDINGS: Shabannejad, Kianoosh and Keshavarz using various and happy weights, desirable rhyme, various rows, types of repetition and puns which are the most important verbal industries and the use of imaginary forms such as simile, metaphor, irony and permission as well as recognition, sensibility, appropriateness, Contrast and exaggeration add to the beauty of their poems and attract the child's audience.

CONCLUSION: The study of aesthetics in the poems of three poets showed that in the section related to weights, the variety in the poems of the farmer is more significant. In the use of imaginary images and novel arrays, Nasser Keshavarz has used the arrays of repetition, sensuality, proportionality, contradiction and exaggeration in beautifying and attracting the audience more than Kianoosh and Shabannejad. Permissible) and punishment has shown more attention than the farmer and Shaban Nejad.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۰۷۷](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.7077)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۵۶	 ۱۴	 ۰

مقدمه

از زمانهای کهن تاکنون بحث زیبایی‌شناسی از موارد توجه شاعران و نویسندگان بوده است. هر اثری میتواند در نهان و ریشه خود از نظرگاه زیبایی‌شناسی بررسی شود. زیبایی‌شناسی دارای حوزه بسیار گسترده‌ای است و متفکران و صاحب‌نظران این مقوله علل زیادی را برای آن برشمرده‌اند از جمله: احساس، عاطفه، و صورخیال. و مهمترین عاملی را که بر زیبایی‌شناسی آثار ادبی بویژه شعر مؤثر میدانند موسیقی شعر، صنایع بدیعی و بیانی شمرده و برای آن اهمیت خاصی قائل شده‌اند.

زیبایی‌شناسی تنها به آثار بزرگسالان منحصر نمیشود، بلکه در شعر کودک هم قابل بررسی است. کودک با زبان شعر بیش از نثر خو میگیرد و ارتباط برقرار میکند و بیشتر مسائل تربیتی و آموزشی ازطریق شعر به کودک آموزش داده میشود. زیبایی در شعر کودک آن را از حالت خشکی بیرون می‌آورد و آموزش مفاهیم تربیتی و مطالب آموزشی را برای آنان شیرین و دوست‌داشتنی میکند و شاعران حوزه کودک با بهره‌گیری از صورخیال و عناصر زیبایی سخن، بر زیبایی اشعار خود و جذب مخاطبان میفزایند.

شاعران با بهره‌گیری از این شیوه، احساسات کودک را برمینگیزند، باعث پدید آمدن عواطف و احساسات آنان میشوند و تأثیرات روحی و روانی بر روی کودک میگذارند؛ درنتیجه باعث رشد زیبایی‌شناسی در کودک میشوند. شعر کودک آهنگین است و از موسیقایی کلمات، وزن، قافیه و سادگی و تخیل برخوردار است که باعث ایجاد ذوق زیباشناسی در کودک میشود، اما باید مواظب بود در سرایش شعر کودک عناصر شعری رعایت شود؛ اگر احتیاط رعایت نشود، به زیبایی کلام آسیب رسیده و پل ارتباطی بین کودک و شعر خراب خواهد شد. با توجه به این توضیحات در جستار حاضر زیبایی‌شناسی شعر کودک در اشعار سه شاعر برجسته یعنی افسانه شعبان‌نژاد، محمود کیانوش، و ناصر کشاورز مورد بررسی قرار میگیرد. پرسشهای تحقیق بدین شرح است: در شعر شاعران مورد بررسی تا چه اندازه به صنایع بدیعی و جنبه واج‌آرایی و موسیقی‌آفرینی توجه شده است؟ بیشترین بسامد زیبایی‌شناسی در بخش صور خیال به کدام شاعر اختصاص یافته است؟

روش مطالعه

نوع روش تحقیق در این پژوهش بصورت تحلیلی- توصیفی است. برای گردآوری داده‌های پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ در ابتدا تمامی مطالب درباره موضوع زیبایی‌شناسی و ادبیات کودک و نوجوان مطالعه و فیش‌برداری گردید. نمونه‌ها استخراج و دسته‌بندی و در نهایت تحلیل شد و چون سه شاعر مورد بررسی قرار گرفته برای گرفتن نتیجه مطلوبتر، آمار گرفته شد و نمودار فراوانی هریک از مؤلفه‌ها ترسیم شد. همچنین در جامعه آماری تقریباً همه آثار این سه شاعر بررسی شده است.

سابقه پژوهش

بررسیها نشان داده پژوهشهایی که در زمینه زیبایی‌شناسی شعر کودک انجام شده، اندک است که چند نمونه معرفی میشود: مقاله «زیبایی‌شناسی تشبیه، استعاره، کنایه، ایهام و... در ادبیات کودک با محوریت اشعار محمود کیانوش» نوشته صیادی دریاکناری اشاره کرد. نویسنده در این پژوهش زیبایی اشعار کشاورز را از منظر صور خیال بررسی کرده و نتیجه گرفته است تشبیه، استعاره و تشخیص بعنوان نزدیکترین صور خیال به دنیای کودکان، بیشترین بسامد را در شعر کیانوش دارد.

بیرانوند و همکاران نگارندگان مقاله «زیبایی‌شناسی آثار ناصر کشاورز»، با هدف شناخت و معرفی جنبه‌های زیباشناسی اشعار ناصر کشاورز، موسیقی بیرونی، کناری، درونی و معنوی را در آثار وی بررسی نمودند و دریافتند که ناصر کشاورز به صنعت بیانی و بدیعی (آرایه‌های لفظی و معنوی) در شعر کودک اهمیت ویژه‌ای داده است. در مقاله «نقد زیبایی‌شناسی اشعار کودک پروین دولت‌آبادی»، نوشته منصور پیرانی و فاطمه بهرامی صالح، زیبایی‌شناسی اشعار دولت‌آبادی، در بخش صورخیال، زبان، موسیقی، و محتوا بررسی شد. نتیجه نشان داد تشخیص بعنوان نزدیکترین صورت خیال به دنیای کودکان و نیز تکرار بیشترین بسامد را داشته است و توصیف، پرداختن به پدیده‌های طبیعی و رفتاری اصلیت‌ترین مضامین شعر او هستند. همچنین در اشعار دولت‌آبادی عناصر شکل و صورت متناسب و هماهنگ با محتوای اشعار است. با توجه به اینکه این پژوهش بطور همزمان به بررسی زیبایی‌شناسی شعر سه شاعر کودک می‌پردازد، میتواند خلأ موجود در این زمینه را پر کند و راه را برای پژوهشهای بعدی هموار سازد.

بحث و بررسی

بررسی زیبایی‌شناسانه اشعار افسانه شعبان‌نژاد و محمود کیانوش، ناصر کشاورز

زیبایی‌شناسی موسیقی شعر کودک

وزن عروضی: اساس و رکن اصلی شعر کودک وزن است و اصولاً شعر کودک بدون وزن آن هم وزنی کوتاه، ضربی و شاد هیچگاه شعر محسوب نمیشود. استفاده از وزن خوب و مناسب در شعر کودک باعث میشود شعر روانتر و ساده‌تر بنظر آید و کودک نیز بسیار زود با آن شعر ارتباط صمیمی و تنگاتنگ برقرار کند؛ بنابراین توجه هر شاعری در شعر کودک به وزن معطوف است. ذهن کودکان در ابتدای سن خود بطور طبیعی موزون است، و آنها قبل از اینکه با معنی واژه‌ها آشنا شوند، به حرکت، هجاها، ضرب‌آهنگ و تأکیدی که بر روی کلمه میشود، دقت دارند و اشعار عامیانه از این ویژگی بیشتر برخوردار است و این باعث میشود که کودک اولین تجربه را برای آشنایی با شعر دریافت کند؛ در نتیجه نمیتوان شعر کودک را بدون وزن در نظر گرفت (قرل‌ایاغ، ۱۳۸۹: ۲۱۰). شاعر شعر کودک میتواند از وزنهای هجایی یا ترانه برای سرودن شعر استفاده کند و برای ایجاد تنوع موسیقایی، اشعار ساده و عامیانه‌ای را در یک شعر بکار گیرد که دارای وزنهای متفاوتی باشد. کودک در خواندن شعر ناخودآگاه گرایش به آواز دارد؛ همچنانکه نیروی جسمی، او را در سکون و قرار نمیگذارد، شوق و موسیقی و آواز هم او را در محدوده قرائت نگاه نمیدارد؛ ازاینرو وزنهای شعر باید امکان آواز خواندن را به او بدهد (کیانوش، ۱۳۵۲: ۷۳). بطور کلی در بکار بردن وزن برای شعر کودک باید چند نکته را مدنظر داشته باشیم:

از وزنهای کوتاه استفاده کنیم:

«یک عالمه برف، دوروبر ماست، یک دانه پارو، در دست باباست/ او کرده پارو، این برفها را، یخ کرده دستش، از سوز سرما/ با اینکه کارش، خیلی زیاد است، از خنده‌هایش، پیداست شاد است/ ای کاش میشد، خورشید باشم، بر دست بابا، گرما بپاشم» (کشاورز، ۱۳۸۵: ۱۴).

از وزنهای ضربی و رقصان بهره بگیریم:

«یک گل، ده گل، صدها گل/ اینجا، آنجا، هر جا گل/ دامن، دامن فروردین/ میریزد بر دنیا گل/ باغ و دره پر گل شد/ کوه و دشت و صحرا گل/ لبها را گل خندان کرد/ شد از شادی لبها گل» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۳۸).

برای خردسالان از وزنهای شاد و ترانه‌ای استفاده کنیم:

«دویدم و دویدم، به بستنی رسیدم / گفتم بیا گفت نیمام / یه پول کاغذی میخوام / این پول آهنی کمه / برای بستنی کمه / آهای پول کجایید / از این طرف بیایید / این بستنی گروه / برای دیگروه» (کشاورز، ۱۳۷۸: ۱۰). وزن در شعر کودک باید با مضامین آن متناسب باشد، بخصوص که شعر کودک دارای مضامین توصیفی و شاد است، میتوان از وزن کوتاه استفاده کرد (کیانوش، ۱۳۵۲: ۷۴).

نباید وزنه‌های طولانی و نامطبوع بکار گرفت؛ چراکه درک آن برای کودک سخت و ناممکن میشود. کیانوش، شعبان‌نژاد و کشاورز برای سرودن اشعار کودکانه از وزنه‌های شاد و کوتاه و ضربی استفاده میکنند؛ زیرا که به تأثیر سحرانگیز موسیقی بیرونی آگاهی کامل داشته و در گزینش اوزان برای سرایش شعر خود موفق بوده‌اند. البته لازم به ذکر است که وزن عروضی در اشعار آنان را میتوان به دو دسته تقسیم کرد. گروهی دارای وزن عروضی هستند و بخش قابل توجهی از شعر آنان دارای وزن است، ولی تعداد کمی از اشعار آنها وزن منظمی ندارد و شاعر تنها سعی نموده قافیه و آهنگ کلام را رعایت کند. تنوع و گوناگونی اوزان در شعر هر سه شاعر دیده شده است، با این تفاوت که این تنوع در سروده‌های کشاورز، بدلیل استفاده از حداکثر اوزان و امکانات وزنی شعر فارسی، بیشتر بچشم میخورد.

قافیه و ردیف: قویترین عامل جاذبه و کشش برای بچه‌ها موسیقی است. آهنگی که از بافت کلمات و ترکیب مصراعها بوجود می‌آید برای کودکان جذاب و دلنشین است. کودکان در سالهای اول دبستان و پیش از دبستان با موسیقی شعر بیش از محتوا ارتباط برقرار میکنند و از صداها و آهنگ کلمات و تجانس حروف و تکرار لذت می‌برند. در شعر کودک نیز مانند شعر بزرگسال عوامل زیادی در ایجاد موسیقی و طنین‌انداز کردن کلام مؤثرند و از آنجاکه موسیقی در شعر کودک اهمیت بیشتری از شعر بزرگسال دارد، شناخت عوامل مؤثر در موسیقایی کردن کلام برای شاعر کودک ضروری است. بررسی ویژگیهای وزن و شکل ظاهری، شکل درونی و علاوه‌بر آن پرداختن به هر نوع آهنگ و تناسب ناشی از انتخاب قافیه و ردیف، هماهنگی کلمات، صامت‌ها و مصوت‌ها، که شعر را از نثر دور میکند و به آن شکل شاعرانه میبخشد، در زمره موسیقی شعر قرار میگیرد. اهمیت این ابزار زیبایی‌بخش در شعر تا آنجاست که برخی موجودیت و هستی شعر را در گرو آن میدانند. در این میان اهمیت عنصر یادشده، زمانی دوچندان میشود که به نقش و جایگاه آن در شعر کودک بپردازیم. در این راستا گفته میشود اولین عنصری که موجب گرایش کودک به شعر میشود عنصر موسیقی است. حقیقت امر آن است که مخاطبی چون کودک، که با تمامی ساختارهای زبان و پیچیدگیهای آن ناآشناست، به کمک ن موسیقی میتواند با کلام ارتباط برقرار کرده و د نهایت به فهم آن برسد.

کیانوش در باب اهمیت موسیقی در شعر کودک مینویسد: «در موسیقی شعر است که کودک زیبایی کلام را حس میکند و با آن معانی را می‌آموزد» (کیانوش، ۱۳۵۲: ۱۵). اما آنچه در این میان بیش از هر چیز دیگر مورد توجه قرار میگیرد، کیفیت و چگونگی کاربست گونه‌های موسیقایی یادشده است. بعنوان مثال در بحث موسیقی کلاسیک (عروضی) تغییراتی صورت میگیرد تا با زبان کودکانه همخوانی کامل داشته باشد. در بحث موسیقی بیرونی استفاده از وزنهایی با ضرب‌آهنگ تند و آهنگین (شاد) همچون بحر رجز و هزج نمونه این امر است. در بحث موسیقی کناری یا قافیه نیز با توجه به نقش و کارکرد آن در تثبیت و تقویت مفهوم در ذهن کودک، شاهد حضور پررنگ و گسترده‌تر این عنصر موسیقایی در شعر کودک هستیم؛ چراکه همانطور که گفته میشود اهمیت قافیه برای کودک تا جایی است که کودک پیش از اینکه وزن شعر را بشناسد و برایش اهمیتی داشته باشد، به موسیقی قافیه

توجه دارد (علی‌پور، ۱۳۹۳: ۶۷)؛ بنابراین میتوان گفت کلمات همقافیه نخستین درجه ورودی به سرزمین شعر را به روی کودک می‌کشایند.

الف) قافیه: یکی از بخشهای مهم شعر که صوت آن تأثیر زیادی در انتقال مفهوم کلام دارد، قافیه است. اگر تنها از منظر آوایی و نوعی زمینه موسیقایی به قافیه نگاه شود، باید گفت قافیه در شعر از اهمیت و جایگاه زیادی برخوردار است. در شعر کودک علاوه بر وزن ریتمیک و شادی‌آور، قافیه از جایگاه بالایی برخوردار است و پایه و اساس شعر کودک بر قافیه بنا شده است؛ اگر برای کودک شعر بی‌وزن بگوییم، شاید بخواند، اما شعر برای او بدون قافیه ارزشی ندارد؛ بهمین دلیل شاعران باتجربه در استفاده از قافیه کوتاهی نمیکنند؛ حتی گاهی از قافیه و ردیفهای مرکب برای افزایش جنبه موسیقایی شعر استفاده میکنند.

محمود کیانوش هدف قافیه را ایجاد موسیقی کلام میداند و حتی به افراط قافیه را وسیله‌ای برای هدف کودک که بازی است میداند و انتقال مفاهیم را در درجه دوم اهمیت قرار میدهد. یکی از بازیهای متداول در میان کودکان مشاعره‌ای است مهم‌گونه که باید آن را دادوستد قافیه نامید. «بگو تشت/ بنشین برو رشت (کیانوش، ۱۳۵۲: ۵۹). در این بازی کلامی، مهم‌سرایایی اغلب اساس کار واقع میشود؛ زیرا هدف بازی است، نه انتقال مفاهیم و هدف قافیه ایجاد موسیقی کلام است. قافیه در شعر کودک و نوجوان را در گروه‌ها و انواع مختلفی تقسیم‌بندی میکنند. انواع قافیه با توجه به تعداد هجاهای تشکیل‌دهنده کلمه قافیه به غنی و فقیر و با توجه به جای قرار گرفتن آن در بیت به آغازین، میانی و پایانی تقسیم میشود.

در شعر کودک دو نوع قافیه وجود دارد: قافیه فقیر و غنی؛ که فقیر یا غنی بودن قافیه‌ها را از هماهنگی و همسانی مصوتها و صامت‌ها میتوان تشخیص داد. محمود کیانوش درباره قافیه غنی و فقیر میگوید: کلماتی را که یک هجا دارند قافیه فقیر گویند مانند: بد، بر، زد؛ چراکه در آنها یک صامت متحرک، مصوت کوتاه و یک صامت ساکن وجود دارد. چنانچه در همین قافیه‌های یک‌هجایی فقیر، صوت هجا از مصوت‌های بلند باشد، از فقر موزیکی قافیه کاسته میشود؛ هرچند که قافیه را غنای کامل نمیبخشد مثل داد، راد، باد، زار. در شعر کودک قافیه‌های فقیر را میتوان با این شیوه غنا بخشید: قافیه‌های فقیر را با ردیفهای خوش‌آهنگ غنی کرد، همان کاری که شاعران بزرگ میکنند (کیانوش، ۱۳۵۲: ۶۲). قافیه‌های «سر، بر» در نمونه‌های ذیل قافیه‌های فقیر بشمار می‌آیند:

«پیچید بر خود از درد، تا طاقتش سرآمد/ مانند غول زخمی، فریاد او برآمد» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

ولی قافیه‌های «شاد، مداد»، «چانه، خانه»، «ناودان، سایه‌بان»، و «خاموش، فراموش» در نمونه‌های ذیل قافیه‌های غنی هستند:

«روی بلوز من هست، یک موش شاد کوچک/ چیزی نوشته این موش، با یک مداد کوچک» (کشاورز، ۱۳۷۸ ج: ۹۵). «چشمهایش پشت شیشه/ دستهایش زیر چانه/ باز هم او منتظر بود/ در اتاق تنگ خانه» (کشاورز، ۱۳۷۶ ج: ۳۳). «تو خوش خوابیدی و شب/ گذشت آرام و خاموش/ تنت با خواب خوش کرد، تمام خستگیها را فراموش» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۵۰) و «ابر خنده میکند توی ناودان او/ میروم به خواب خوش/ زیر سایه‌بان او» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۴ الف، ص ۹).

ب) ردیف: ردیف از مؤلفه‌هایی است که بر جنبه موسیقایی شعر تأثیر فراوانی گذاشته و دارای اهمیت بسیار است. ردیف تأثیر زیادی در جذب مخاطب دارد؛ چراکه جنبه موسیقی شعر را تقویت کرده و باعث ایجاد هماهنگی خواننده با شعر میشود. به دیگر سخن هر گاه مخاطب و خواننده شعر در پایان ابیات کلماتی را تکرار کند، مانند

این است که خود وی نیز در خلق و سرودن شعر شریک شده است؛ بنابراین ردیف نوعی انحراف از هنجار معمول است و هنجارگریزی بحساب می‌آید.

ردیف در شعر کودک تنها یک تأثیر برجای می‌گذارد و آن هم جنبه موسیقایی است. کودک به کمک قافیه به زیبایی و آهنگین بودن شعر پی میبرد، درحالی‌که ردیف جنبه موسیقایی آن را دوبرابر خواهد کرد. ذکر این نکته ضروری است که در شعر کودک باید از ردیفهای کوتاه استفاده کرد؛ چراکه ردیف کوتاه برای کودک جذابتر و زیباتر است (علی‌پور، ۱۳۹۳: ۸۶). نمونه‌هایی از ردیف در شعر کودک:

«این یکی گفت: هلوی بی هسته داریم / کیسه درسته داریم» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۴ ب: ۹). این یکی گفت: قشنگ است / این یکی گفت: شبیه قلوه سنگ است» (همان: ۵). «حوضه یه حوض دوغ بود / قصه ما دروغ بود» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۱ ج: ۶). «چند تا تونل / توی راه اوست / پای پنجره / ایستگاه اوست» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۴ الف: ۸). «میروم با خواهرم / گاه گاهی پای کوه / خوش به حال خواهرم / میرود بالای کوه» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۴ الف: ۵).

«نازی نگاهت کجاست؟ / چشم سیاهت کجاست؟ / به من نگاهی بکن / خنده ماهی بکن» (کیانوش، ۱۳۸۲: ۶۰). «یک روز صبح جمعه، دلتنگ و خسته بودم / از بس که در اتاقم / تنها نشسته بودم / باد بهار از در آمد / به هوشم آورد / آواز آشنایی، با خود / به گوشم آورد» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۶۴). «آسوده بالها را / میبست و باز میکرد / انگار آسمان را / آهسته ناز میکرد» (همان: ۶۷). «بین چه ریختی کرده! / قبای مخملش خیس / کلاه و کفش و جوراب، / تمام هیکلش خیس» (کیانوش، ۱۳۸۲: ۲۳). «دیدم چه آفتابی پر کرده آسمان را / گرد طلا و نقره آراسته جهان را» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۶۵).

ردیفها در شعر این شاعران اغلب بصورت حرف، اسم یا فعل است که در این میان ردیفهای فعلی بیش از سایر انواع ردیف بچشم می‌خورد.

بدیع لفظی

مهمترین آرایه‌های لفظی بکاررفته در سروده‌های این سه شاعر، انواع تکرار و جناس است که در واقع پدیدآورنده موسیقی درونی شعرند. استفاده از واژگانی که حروفی مکرر و مشابه دارند، جهت پر کردن جای خالی وزن که به آن موسیقی درونی کلمات می‌گویند، موسیقی خوشایندی در شعر ایجاد میکند. ارزشمندترین بخش در موسیقی شعر، میزان هماهنگیهای آوایی حروف و واژه‌ها، با مفهوم و معنای شعر است. از آنجاکه هریک از مصوتها و صامتها، از نظر صوتی دارای مفاهیم خاصی هستند، شاعر باتجربه میتواند برای انتقال معنا و مفهوم موردنظر، گذشته از بار معنایی الفاظ، از ارزش صوتی حروف نیز بهره ببرد. از اینرو قسمت عمده‌ای از مهارت و استادی شاعر، به گزینش، ترکیب و تلفیق حروف و واژه‌ها مربوط است. موسیقی شعر، از بنیانهای اساسی و تأثیرگذار در ساختار شعر است که حوزه گسترده و فراگیری را شامل میشود و تنها محدود به وزن و قافیه و ردیف نمیشود.

یکی از بخشهای مهم موسیقی شعر، که نتیجه ترکیب و تکرار حروف و واژه‌هاست، موسیقی درونی است. در میان اجزای تشکیل‌دهنده موسیقی درونی هم، آنچه در انتقال و تأثیر پیام شاعر اهمیت بیشتری دارد، میزان دلالتها و موسیقایی و آوای کلمات در بافت شعر است؛ چراکه در این قلمرو، موسیقی شعر، به معنای هنری دقیق خویش آشکار میشود (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۵: ۳۲۱). تردیدی نیست که آن قسمت از اثر ادبی، که در آن تناسبات آوایی و معنایی لحاظ شده باشد، نسبت به دیگر بخشهای اثر ارزشمندتر است. «به این دلیل که صرف صوت به خودی خود، از لحاظ زیبایی‌شناسی کم‌ارزش یا بکلی بی‌ارزش است. شعر موسیقی‌وار، بی آنکه تصویری از معنی یا لحن

عاطفی آن داشته باشیم، وجود ندارد» (ولک، ۱۳۷۳: ۱۷۵). در موسیقی میانی نباید خوش‌آهنگی آواها را فراموش کرد. موسیقی داخلی سبب خوش‌آهنگی و سهولت تلفظ شعر میگردد و تناسبی ویژه بین کلمات، با تکرار یا چیدن هوشمندانه صامت‌ها و مصوت‌ها برقرار میکند؛ عواملی که موسیقی درونی را ایجاد میکنند.

موسیقی درونی در شعر کودک به گونه‌های مختلفی جلوه میکند و بیگمان در زیبایی شعر و تأثیرگذاری آن در ذهن و زبان کودکان نقش فراوانی دارد. موسیقی درونی در صورت تکرار حرف، تکرار واژگان، تکرار عبارات یک مصراع یا یک بیت، تکرار حرکات (تکرار مصوت‌های کوتاه) جلوه‌گر میشود (علی‌پور، ۱۳۹۳: ۸۵). کودک از تکرار کلمات و کنار هم قرار گرفتن حروف همجنس، لذت میبرد و موسیقی حاصل از این امر برایش خوشایند است.

انواع تکرار: تکرار در شعر کودک پایایی زیادی از خود برجای میگذارد و علت آن بسامد بالای آن در این نوع شعر است. چراکه شاعر از بار معنایی کلمات کم کرده و احساس خود را با تکرار بیان میکند و دشواری کلام برای کودک از بین میرود. تکرار در شعر کودک بعنوان یکی از گونه‌های موسیقی درونی ارزش فراوان دارد؛ زیرا باعث تقویت این نوع موسیقی میشود. آرایه لفظی تکرار در شعر کودک و نوجوان از عناصر اصلی موسیقی درونی شعر است که در موسیقایی کردن زبان از آن بهره میگیرند. بسامد آن در گروه‌های سنی متفاوت است و هرچقدر گروه سنی شعر بالاتر می‌رود، کارکرد آن کمتر میشود. تکرار بعد از قافیه و ردیف حائز اهمیت است و شعر را موزیکال میکند و امکان ظهور آن در شعر به صورتهای مختلف است:

واج‌آرایی (نغمه حروف): واج‌آرایی به ساده‌ترین سخن، آرایش واجهاست. یعنی شاعر بعمد یا به اتفاق در اثر خود یا در بیتی از ابیات، واجی را بیشتر از تعداد واجهای دیگر تکرار میکند. نام دیگر این اتفاق یا فن نغمه حروف است. نغمه حروف به اقتضای زبان و بیان در ادبیات کودک بچشم میخورد. این تکرار واجها یا نغمه حروف با توالی و یکسانی جدا از انتقال معنا بخاطر الفاظ و دستور زبان شعر، احساس واحدی از ترس، محبت، آرامش، رخوت، شادی و غم را انتشار میدهد.

همحروفی «ش» در «چشمه چشمانشان خشک/ غنچه لبهایشان چاک» (کشاوری، ۱۳۷۹: ص ۱۲).

همحروفی «د» و «ه» در «موهایت را دانه دانه/ حلقه حلقه میبینم خوب/ آنها را نرم دسته دسته/ پهلوی هم میچینم خوب» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۴۲).

همحروفی «د» و «ت» در «دویدم و دویدم/ به تق و تق رسیدم/ تق تقو دادم به دارکوب/ دارکوب به من درخت داد/ درختو دادم به نجار/ نجار به من تخت داد/ رو تخت خود خوابیدم/ باز تق تقی شنیدم/ تق تق صدای در بود/ دارکوب نبود پدر بود» (کشاوری، ۱۳۷۸: ۱۲).

همحروفی «ه» و «ش» در «سینه‌اش پر است/ از هزار قصه، از هزار شعر،/ از هزار شادی، از هزار غم،/ نه هزار/ بیشمار/ بیشمار قصه، بیشمار شعر» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

همصدایی مصوت بلند «آ» «کلاغه توی خوابش ماه و ستاره میدید/ از آسمان پرنور/ ماه و ستاره میچید» (همان: ۶).

همصدایی «الف» در «گفتم کبوتر جان! بیا این بالها را باز کن/ در آسمان نیلگون/ پرواز کن، پرواز کن!» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۳۰).

در شعر کودک ممکن است همصدایی و همحروفی در یک مصراع یا بیت با هم کاربرد داشته باشد؛ در این حالت باعث بیشتر شدن ارزش موسیقایی کلام میشود مانند نمونه‌های زیر:

همحروفی «ب» و همصدایی مصوت بلند «او» در «چون میدونم مهریونه/ بابای برف و بارونه» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷). همحروفی «خ» و همصدایی مصوت بلند «آ»: «صبح خندان،/ صبح خندان/ خورشید آورد؛/ خورشید آمد/ خورشید آمد/ امید آورد» (کیانوش، ۱۳۸۲: ۴۷).

تکرار واژه

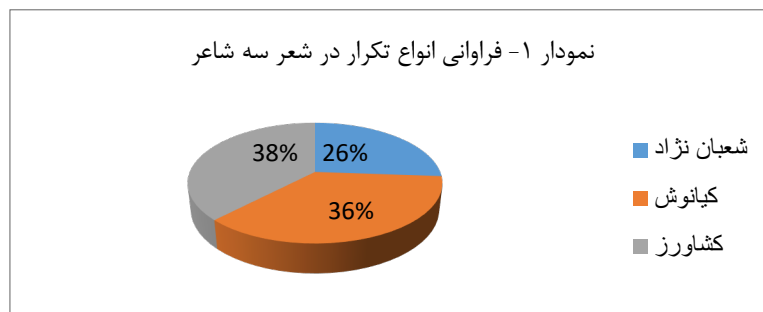
«کفش نو پوشیده‌ام من/ کفشهای زرد و زیبا/ کفشهای تازه‌ام را/ از سفر آورده بابا» (شعبان‌نژاد، ۱۳۶۹: ۱۵).
«کلاهی خنده‌دار بود/ کلاهی وارونه بود/ کلاه نبود لونه بود/ لونه یک کلاغ بود» (کشاورز، ۱۳۹۶: ۱۲).
«قالی به من رنگ داد/ به غنچه قشنگ داد/ غنچه نگو گره گره/ درست بشکل پنجره» (کشاورز، ۱۳۷۸: ۱۳).
«شروع میکنم/ به کار و کار و کار/ که گله‌های فکر/ شوند لت و پار» (کشاورز، ۱۳۷۹: الف: ۲۵).
«بی صدای مادر/ همه دلها تاریک/ همه دنیا خاموش/ همه دنیا تاریک» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۱۲۵).

تکرار گروه‌واژه

«این یکی گفت: پس چرا او تاب میخورد/ قلمپ آب میخورد/ این یکی تا جوجه را دید/ فوری دوید و داد کشید» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۱: ج: ۷). «یک عمویم باغبان/ یک عمویم کدخداست/ من که شهری نیستم/ خانه‌ام در روستاست» (کشاورز، ۱۳۶۸: ۵). «یک نگاهش رو به دشمن/ یک نگاهش رو به ماه است» (کشاورز، ۱۳۷۹: ب: ۶).

تکرار جمله

«دویدم و دویدم/ تا به اتاق رسیدم» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۳: ب: ۱۸). «هی میپرید این ور/ هی میپرید آن ور» (کشاورز، ۱۳۷۶: د: ۹). «همشهری من، بریز قندی/ چشمک زد و چشمک زد/ پشتک زد و پشتک زد/ بشکن زد و بشکن زد» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۸۴).



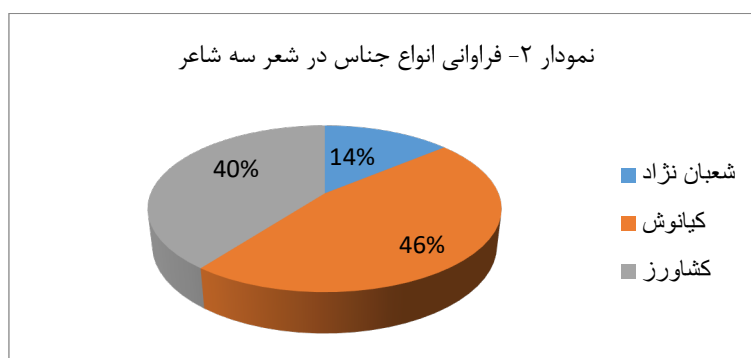
مقایسه انواع تکرار در شعر این سه شاعر نشان میدهد کشاورز بیش از شعبان‌نژاد و کیانوش این آرایه را در اشعار خویش بکار برده است.

انواع جناس

کاربرد جناس در ادبیات کودک باعث ایجاد جذابیت در روح و روان کودک میشود و موسیقی درونی شعر کودک را دوچندان میکند و تنها آرایه‌ای است که در شعر کودک سرشار از موسیقی است و باعث ایجاد آواز خوش موسیقی حاصل از تکرار آنها در ذهن و زبان کودک میشود (علی‌پور، ۱۳۹۳: ۹۶). انواع مختلف جناس در بحث موردنظر ما با توجه به دامنه کاربرد آن در ادبیات کودک و نوجوان در سروده‌های شاعران مورد نظر بررسی میشود.

جناس ناقص افزایشی همچون جناس مذیل در «این یکی گفت: این که گل و گلاب نیست/ جای او توی آب نیست» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۱ ج: ۱۳). جناس ناقص (محرف) در «با سحر هزار آواز/ در باغ هزار آمد» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۱۲۸). جناس اختلافی در «نه شور بازی کردنی/ نه میل چیزی خواندنی/ نه شوق جایی رفتنی/ نه تاب جایی ماندنی» (همان: ۲۰۵) و در «این یکی گفت: پس چرا حوضه پیر شد؟ آبش به رنگ شیر شد» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۱ ج: ۵).

کاربرد جناس مزدوج در شعر کودک قابل توجه است. مانند: «تو حرف چشم را/ با هوش گوش کن/ این چشم و گوش را/ همراه هوش کن» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۵). «باز هم پدرم/ به یاد جوانی جوانه میکارد» (شعبان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۳۵).



بررسی انواع جناس در اشعار سه شاعر نشان می‌دهد بهره‌گیری کیانوش از این آرایه بیش از دو شاعر دیگر است.

صنایع معنوی

آنچه در خلق تصویرهای ذهنی شاعرانه نقش مهمی دارد تشبیه و استعاره است. این نکته نباید هیچگاه فراموش شود که کودکان از تجربه کم و محدودی برخوردارند، بنابراین شاعر کودک باید به بار رمزی و نمادین کلمات توجه کند. اگر قرار است پدیده‌ای نمادی برای پدیده دیگری باشد، این پدیده و ویژگیهای آن باید برای کودک شناخته شده باشد. البته نباید نوآوری را هم در این زمینه از نظر دور داشت. صرف شناخت دو نکته‌ای که با هم مقایسه و یا به هم تشبیه میشوند کافی نیست و لازم است در این مقایسه یا تشبیه نکته‌ای تازه باشد که به آنها کمک کند آن فکر یا شیء را به شیوه‌ای متفاوت و غیرعادی ببینند. استفاده از تشبیه‌های پیش‌پاافتاده و مستعمل، همچنین تشبیه‌هایی که درک آنها نیازمند تجربه‌های بزرگسالانه است، شاعر را از فرصت طلایی برای سهیم کردن کودک در لذت شعری محروم می‌کند (قزل‌ایاغ، ۱۳۸۹: ۲۱۲).

در اشعار کودکانه محمود کیانوش، ناصر کشاورز و افسانه شعبان‌نژاد صور خیال بخوبی قابل مشاهده است. در اشعار این شاعران حوزه کودک تصویرآفرینی‌هایی در صنایع بیانی و بدیعی دیده می‌شود که هنرمندی این شاعران فعال را در عرصه شعر کودک و نوجوان بزبانی نشان می‌دهد که توانسته‌اند زبان شعری خود را بخوبی با مخاطبان خود یعنی کودک و نوجوان مطابقت دهند.

تشبیه: یکی از قدرتمندترین و وسیع‌ترین ابزاری که شاعر کودک از آن برای توصیف استفاده می‌کند، تشبیه است.

شاعر کودک در بیان تشبیه همواره باید به گروه سنی و قدرت درک کودک توجه ویژه داشته باشد و با توجه به این دو مورد به بیان تشبیه بپردازد. ذکر این نکته نیز ضروری است که هر کودک توانایی و ویژگی‌هایی دارد که ممکن است با کودک دیگر متفاوت باشد. بیشترین تشبیهاتی که در شعر کودک دیده می‌شود با الهام از طبیعت است؛ چراکه برداشت و قدرت تخیل کودک ناشی از طبیعت و محیط پیرامون وی است و کودک در طبیعت نهایت دقت و ریزینی را دارد؛ بنابراین میتوان گفت شعر کودک شعری طبیعت‌گرا است که کودک را جذب خود میکند و هر شاعر کودکانه‌سرا برای شناساندن طبیعت و پدیده‌های پیرامون آن، از تشبیه استفاده میکند.

در شعر شاعران مورد بررسی انواع تشبیه دیده می‌شود، اما میزان کاربرد آن متفاوت است. معمولاً تشبیهات مضمّر و وهمی در شعر آنان اندک و محدود است؛ زیرا کودک قادر به درک آنها نیست. بیشترین نوع تشبیهات شاعران کودک تشبیه مرسل، و بلیغ است. معمولاً ادات تشبیه و وجه شبه ذکر میشود و بیشتر حسّی به حسّی است. از رایجترین انواع تشبیه که در شعر کودک بکرات دیده میشود، تشبیه دوسویه حسّی است. این نوع تشبیه بعّلت ابتدایی بودن سنّ کودک و همچنین ساده بودن نوع شعر کودک، وظیفه زیادی در تصویرسازی شعر، بخصوص در سالهای پیش از دبستان و سالهای اول دبستان برعهده دارد (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۵۷).

«آسمان ای روشن و تاریک / روز و شب بسیار زیبایی / شب به رنگ آبنوس / اما روزها همرنگ دریایی / گاه گم همچون خیالی / گاه چون حقیقت خوب پیدایی / گاه آن بالا بسی دوری (کیانوش، ۱۳۷۰: ۶۰).
«هست تا اسب نسیم / روز و شب در سفری» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۴۲). در این شعر اسب نسیم، تشبیه بلیغ است و از نوع محسوس به محسوس.

«برای تو راحت است / مسافرت به هر جا / قطار ابر حاضر است / بیا بسوی شهر ما» (کشاورز، ۱۳۷۳: ۱۹). قطار ابر تشبیه بلیغ از نوع مقلوب است که در آن ابرهای در حال حرکت به قطار تشبیه شده‌اند و حسّی به حسّی هم هست.

«شد آن ستاره در خیالم، میان حوض مثل ماهی / به روی موج رقص میکرد، برای ماه گاهگاهی» (کشاورز ۱۳۷۶: ج: ۱۲). تشبیه ستاره به ماهی از نوع مرسل مفصل (وجه شبه: رقص کردن) و حسّی به حسّی است.
در نمونه‌ای دیگر مادر را به چکاوک تشبیه کرده است: «او در این جهان تک است / ... در سحر چکاوک است / دلپذیر و دلگشاست نغمه طلائیش» (همان: ۱۰۸) که تشبیهی مؤکّد و مفصل (وجه شبه: نغمه و صدا) و حسّی به حسّی است.

در تشبیهات زیر یکی از دو سوی تشبیه عقلی است:

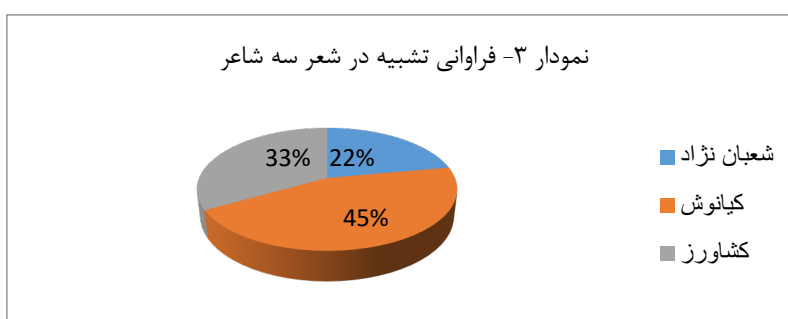
«به جانم چنگ میزد / غمی مانند خرچنگ» تشبیه غم به خرچنگ از این نوع است (کشاورز، ۱۳۷۶ الف: ۴). البته بندرت تشبیهاتی هم دیده میشود که دو سوی تشبیه عقلی است. این نوع تشبیهات در شعر کودک بسیار کم‌کاربرد است و قاعدتاً نباید استفاده شود؛ زیرا از مشبه‌به عقلی نمیتوان براحتی وجه شبه را دریافت. این نوع تشبیه در شعر افسانه شعبان‌نژاد، آن هم در کتاب «پرندۀ گفت شاعرم» در قالب گفتگوی میان پرندۀ و درخت بکار رفته است: «پرندۀ گفت: فاصله / درخت گفت: حجم خالی میان قلبها / ... پرندۀ گفت: مرگ / درخت گفت: راز» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲۶).

تشبیهات وهمی و مضمّر هم در شعر این شاعران به میزان محدودی دیده میشود. مثلاً «شبیۀ غول و دیو است / برابم جمع و تفریق» (کشاورز، ۱۳۷۸ ج: ۶) و «غول شب آمد به خشم / تاختن آغاز کرد...» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۴۴).

«باد آسمان را دیشب تکان داد/ سه تا ستاره، در دستم افتاد» (کشاوری، ۱۳۷۳: ۷). تشبیه مضمّر آسمان به درخت که شاعر در این شعر آسمان را به درختی مانند کرده که باد آن را تکان میدهد و بر اثر آن ستاره‌ها مانند میوه میفتند.

«شب که برای گردشی گاه به باغ میروی/ چشم تو بس که روشن است، با دو چراغ میروی (کیانوش، ۱۳۸۲: ۳۹). در این نمونه کیانوش بطور مضمّر و پنهانی دو چشم را در روشنایی به دو چراغ تشبیه کرده است که تشبیهی مضمّر است.

«قارقاری و سپس/ جای او بر لب پرچین خالیست/ میچکد غصّه من در دل حوض/ هیچکس اینجا نیست» (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱). در تشبیه زیر شاعر غصّه را بصورت نهانی به آب مانند کرده است (محمودی و کیچی، ۱۳۹۲: ۲۷۳).



با توجه به نمودار بسامد انواع تشبیه در شعر سه شاعر مورد بررسی بترتیب کیانوش ۴۵ درصد، کشاوری ۳۳ درصد و شعبان‌نژاد ۲۲ درصد است که بیانگر این است که کیانوش بالاترین بسامد بهره‌گیری این آرایه را در شعر کودک داشته است.

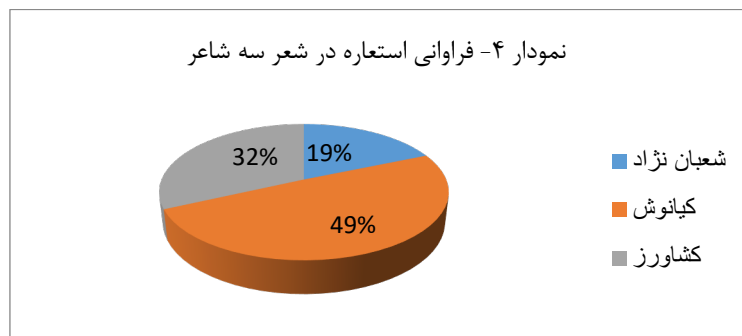
استعاره: استعاره از ابزارهای تصویرآفرینی در شعر کودک و نوجوان استعاره است که گونه‌های متفاوت آن در شعر کودک دیده میشود؛ منتها پرکاربردترین نوع استعاره در شعر این گروه سنی، تشبیه مصرّحه و مکنّیه است؛ زیرا مخاطب درک عمیقی از تصویرسازیهای پیچیده ندارد و فهم این مفاهیم استعاری برای کودکان دشوار است. استعاره مصرّحه: این استعاره در شعر شعبان‌نژاد بسامد بالایی دارد. «چی بود؟ کی بود؟ نقل سفید» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰). «نقل سفید» استعاره مصرّحه از تگرگ است و در «من هی دویدم و باد/ هوهو مرا تکان داد/ یک چتر سبز و زیبا/ جنگل به من نشان داد» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۴: ج: ۷). «صد شعله طلایی در هر نگاه داری/ چون در دلت هزاران گنج سیاه داری» کیانوش، ۱۳۷۸: ۱۰۰ که «گنج سیاه» استعاره مصرّحه از نفت است. «کن سینّه هوا را/ با اشکهای خود پاک» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۲۱). اشکها در این بیت استعاره از قطره‌های باران است. استعاره مکنّیه (بالکنایه): این استعاره در شعر شعبان‌نژاد، کیانوش و کشاوری دیده شده است.

«دوباره چلچله می‌آید/ دوباره پنجره میخندد» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۵۴).

«در مسیر صدای نمناکش/ شاخه‌های چنار رقصیدند/ خواب از چشم ریشه‌ها پر زد/ ریشه‌ها توی خاک خندیدند/ باغ در زیر ریزش باران/ پلکها را دوباره برهم زد» (شعبان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۲۲).

«از زور قلقلکهایش/ لبهای غنچه وا شد» (همان: ۵۶).

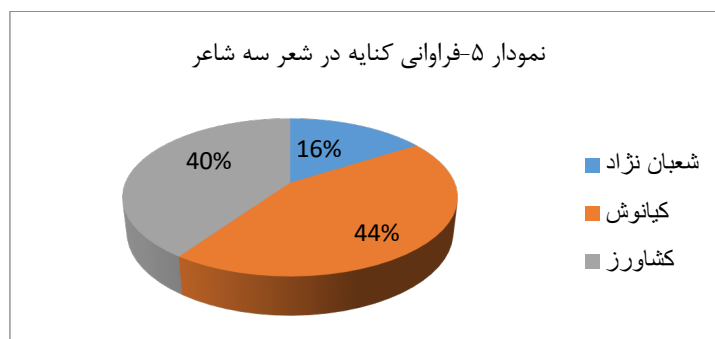
«آنتنی از گوشهٔ بام/ میکند او را نگاهی» (کشاورز، ۱۳۷۶ ج: ۱۸). در همهٔ این نمونه‌ها برای عناصر بیجان، ویژگی جانداران و یا اجزای آنان در نظر گرفته شده است.



با توجه به نمودار نیمی از استعاره‌ها مربوط به اشعار محمود کیانوش است. پس از او کشاورز از این آرایه بهره بیشتری برده است.

کنایه: استفاده از کنایه در ادبیات کودک بخصوص شعر اندک است. در شعر کیانوش و کشاورز نیز شاهد موارد محدودی از کنایه هستیم که بیشتر در اشعاری که شاعر برای نوجوانان سروده مشاهده میشود و اغلب کنایات رایج در گذشته است. کاربرد اینگونه کنایات در شعر کودک و نوجوان مناسب نیست و زبان اشعار را سمت کهنگی میبرد. «کنایه در ادبیات بزرگسال جایگاه برجسته‌ای دارد و گاهی در خدمت طنز قرار میگیرد، ولی متأسفانه در ادبیات کودک و نوجوان بویژه در شعر، کاربرد آن محدود است و شواهد آن در شعر این گروه سنی بسیار اندک است» (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۱۴۷). این آرایه در شعر سه شاعر مورد بررسی دیده شده است.

«گرگه کجاست؟ تو صحراست/ منتظر برّهٔ بزغاله‌هاست! / چوپون کجاست؟ / همینجا/ ... / اگه بیاد چوپون ما چی میکنه؟ / دمش رو قیچی میکنه» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۳ ب: ۱۱). دم کسی را قیچی کردن کنایه از تنبیه کردن اوست. «باران اگر نبارد/ دهقان تباه گردد/ جاننش بسوزد از غم/ روزش سیاه گردد» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۳۲). سیاه شدن روز کسی کنایه از بدبختی اوست. «در شب اگر نبودی/ ما پایبسته بودیم» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۲۲). پایبسته کنایه از ناتوان است. «فصل گرما که آمد، دوباره/ دست‌ودلباز و دامنگشایی» (همان: ۷۴). دست‌ودلباز کنایه از بخشنده است.



کیانوش در بین این شاعران بیشترین کاربرد کنایه، و شعبان‌نژاد کمترین میزان استفاده از کنایه را دارد.

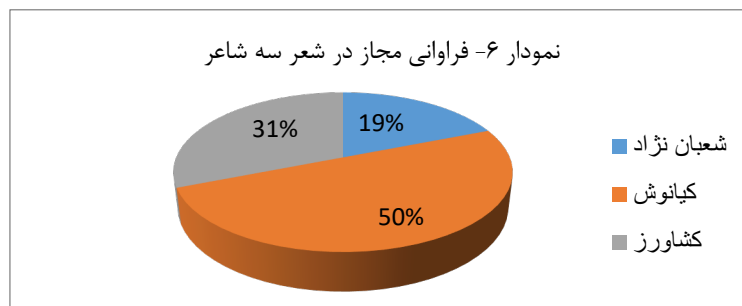
مجاز: همانطور که در شعر بزرگسال با مجاز مواجه می‌شویم، در شعر کودک و نوجوان نیز این آرایه بچشم می‌خورد؛ با این تفاوت که چون درک و شناخت مجاز برای کودک و نوجوان دشوار است، بسامد بکارگیری آن کمتر است. «همیشه/ با نخی خوش‌رنگ باید/ ببافم بوته‌ها را، غنچه‌ها را» (شعبان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۵۴). بوته‌ها و غنچه‌ها جزئی از گیاهان بشمار می‌آیند. بنابراین شاعر جزء را ذکر و کل را اراده کرده است.

یا در «کدوم ابر؟/ ابری که دونه دونه/ می‌چکد از آسمون/ میون حوض خونه/ کدوم حوض؟/ حوضی که کاشیهای آبی داره/ شب که میشه پر میشه از ستاره» (همان: ۳۷). شاعر در این ابیات ابر را مجاز از باران گرفته و ستاره را مجاز از عکس ستاره.

«پنجره باز است/ آسمان لبریز مهتاب است/ جیرجیرکهای کوچه غرق آوازند/ شهر در خواب است» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۳ الف: ۸). در این نمونه شهر مجاز است از اهل شهر که در آن شاعر محل را ذکر و حال را اراده کرده است.

«خواب کم‌کم چشمها را میکند لبریز و سنگین/ هر کسی در بستر خود/ رفته با رویای رنگین» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۲۷). چشمها مجاز از پلک است. شاعر کل را ذکر و جزء را اراده کرده است.

«درآمد از سیاهی روز/ باز چیزی بیرون آمده» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۴۸). سیاهی مجاز از شب است به علاقه لازم و ملزوم.



بسامد استفاده سه شاعر از آرایه مجاز بدین ترتیب است: کیانوش ۵۰ درصد، کشاورز ۳۱ درصد و شعبان‌نژاد ۱۹ درصد.

تشخیص: تشخیص در ادبیات کودک و نوجوان از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا که در فکر و ذهن او هر شیئی جاندار است. در گفتار روزمره کودکان در برخورد با اشیاء و عناصر پیرامون خود میتوان تشخیص را بخوبی درک کرد. شاعر ادبیات کودک و نوجوان در آرایه تشخیص از عناصر فراوانی کمک می‌گیرد.

شاعر کودک در استفاده از تشخیص اهدافی دارد که این اهداف مختلف هستند، ممکن است مذهبی، تربیتی، اخلاقی و ... باشد؛ بنابراین تشخیص یکی از عوامل زیبایی‌آفرینی شعر کودک و نوجوان است؛ زیرا سبب تحرک و پویایی شعر کودک میشود و تصاویر مرده را برای کودک زنده میکند.

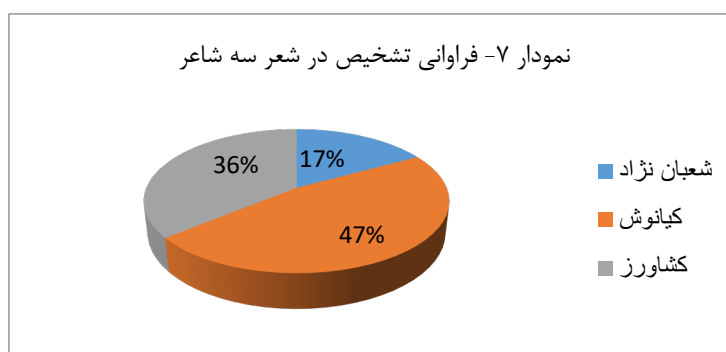
در این دسته از تشخیص شاعر نه تنها به اشیاء بیجان، بلکه به حیوانات افعال و عواطف و صفات انسانی می‌بخشد. مثلاً: «حق برای دیوار: «نگاهش رفته تا آنسوی خانه/ لب یک ظرف خالی پای دیوار/ میان برفها/ پیچیده امروز/ صدای تلخ حق‌هقهای دیوار» (شعبان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۲۹).

فکر کردن برای آب و صدا زدن برای غنچه: «دانه در زیر خاک خشکیده/ فکر آب زلال را میکرد/ غنچه بر شاخه بود پژمرده/ دائماً آب را صدا میزد» (شعبان‌نژاد، ۱۳۶۹ الف: ۱۴).

خندیدن برای خورشید: «یک گونه تو سفید چون صبح/ با سایه روشن و طلایی/ لبخند دلنشین خورشید/ سرشار از صفا و دلگشایی» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۳۶).

بغض کردن برای گلوله: «آن گلوله بغض کرده/ در گلولی قیضه سرد» (کشاورز، ۱۳۷۹ ب: ۱۸).

بوسیدن برای باران و نسیم: «باران رسید از راه/ یک بوسه بر سرم زد» (کشاورز، ۱۳۷۳: ۱۶). «یک نسیم شبگرد/ روح من را بوسید» (کشاورز، ۱۳۷۶ الف: ۲۰).



حس‌آمیزی: این شگرد بدلیل وجود ذهنیت حس‌آمیزی در کودکان و نوجوانان، با شعر کودک و نوجوان تناسب بیشتری دارد و در شعر این رده‌های سنی، فراوان بکار رفته است. شاعر گاهی دو یا چند حس را با هم آمیزش میدهد و آن را در ترکیبهای وصفی و اضافی جا میدهد. آنچه گسترش اینگونه تصاویر را در شعر کودک و نوجوان اهمیت میدهد، گسترش زبان و آموختن مهارت گفتار و خلاقیت به آنان است. برای کودکان که غالباً ذهنی مقایسه‌گر دارند، حس‌آمیزی بسادگی درک میشود.

«بابا را دوست دارم/ چون بوی شعر میدهد» (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۰)

«صدای پدرم آبیست/ انگار فرشته است که/ از آسمان آمده است» (همان: ۲۴).

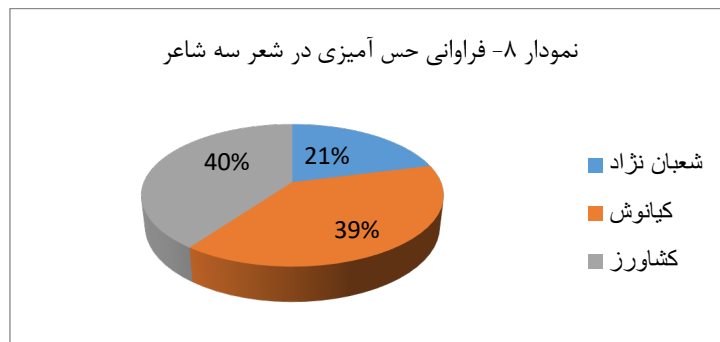
«که جنس دستپایش/ هوای پاک ده باشد» (کشاورز، ۱۳۷۶ ج: ۹).

«میشود سرباز پرپر/ زیر نیش داغ آنها/ عطر شیرین شهادت/ میرود تا آسمانها» (کشاورز، ۱۳۷۹ ب: ۶).

«خنده‌هایش دیگر/ کوچک و کمرنگ است» (کشاورز، ۱۳۷۰: ۵).

«کوچه بوی غصه میدهد/ بوی ختم بال و پرواز» (کشاورز، ۱۳۷۶ ب: ۲۳).

«پند تلخی که بر زبان رانیم/ خود پس آزموده‌ایم آن را» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۱۹۵).



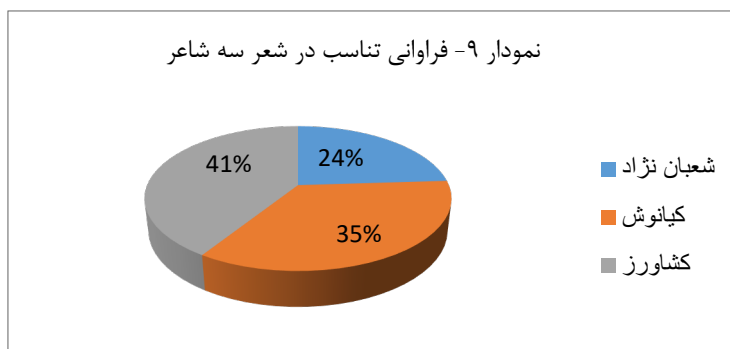
کشاورز در بکارگیری این آرایه با تفاوتی اندک از کیانوش سبقت گرفته است. کمترین میزان استفاده از این آرایه در شعر شعبان‌نژاد است.

مراعات نظیر یا تناسب

«خونۀ ما باغچه داره/ اتاق و یک طاقچه داره/ پله داره، نرده داره/ پنجره‌هاش پرده داره» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۳: الف: ۱۰).
 «چیه؟ کیه؟ صدای جوست/ مادر جونم کنار اوست/ میشوره دامنم را/ چارقد و پیراهنم را» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۳: ب: ۱۴).

«من از گلاب و عطرش/ گیرم سراغ کاشان؛/ زیرا که هست قمصر/ چشم و چراغ کاشان» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۹۹).
 تناسب میان «خاک و خورشید و هوا و آب/ چار چیز اما پدیدآرنده هر چیز» (همان: ۱۹۵).
 «همه با بیل و داس و چوب/ به جان مار افتادند» (کشاورز، ۱۳۸۴: ۱۳).

شعر کودک سرشار از تناسب است؛ چراکه شاعران کودک و نوجوان در وهله اول باید تصویری آغازین در ذهن مخاطب بسازند و مخاطب را وارد شعر کنند. تناسب از آرایه‌های پرکاربرد در آثار این سه شاعر است.



کشاورز بیش از دیگر شاعران از این آرایه استفاده کرده است و پس از او به ترتیب کیانوش و شعبان‌نژاد قرار میگیرند.

تضاد (مطابقه): این آرایه، یکی از راه‌حلهای مناسب برای مشکل عامی است که کودکان دارند و آن مشکل

تداعی کلمه‌ها است. میخائیل گوردون مرحلهٔ تمرین تداعی کلمه‌ها را فعالیتهای مربوط به یافتن متضادها و متفاوتها میدانند. یعنی کودک ابتدا تفاوتها و تضادها را بداند و بعد بین کلمه‌های مشابه ارتباط برقرار کند. او میگوید: «پیش از ورود به مرحلهٔ تداعی باید پیرامون فعالیتهای مربوط به یافتن متضادها و متفاوتها به تمرین پرداخت. بنظر میرسد برای کودک یافتن اشیاء و تصویرهای متفاوت آسانتر باشد» (گوردون، ۱۳۷۵: ۷۴). تضاد از آرایه‌های پرکاربرد در شعر این شاعران است.

«ماهیه تو حوض ما/ پایین میره/ می‌آد بالا» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۱ الف: ۵).

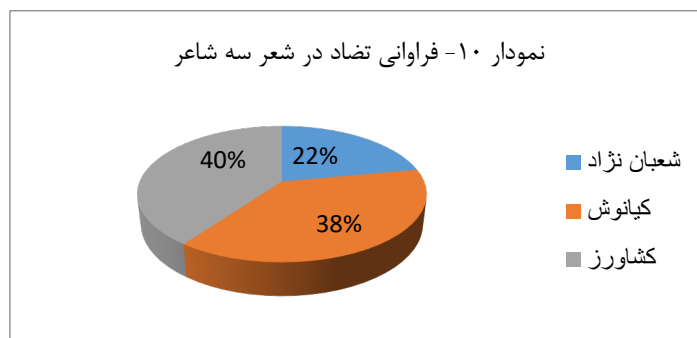
«تو چه شکلی هستی؟/ لاغری یا چاقی؟» (کشاورز، ۱۳۷۸ ب: ۸).

«کبریتو خسته کردم/ هی باز و بسته کردم» (کشاورز، ۱۳۷۸ د: ۵).

«از طلوع روز تا میان شب/ گاه باز و گاه بسته میشوم» (کیانوش، ۱۳۷۹: ۵۵).

«نگور شیرینه یا شور؟/ شور توی آب دریاست/ شیرین توی مرباست» (کشاورز، ۱۳۹۳ ج: ۴).

جهان، جهان اضداد است و صنعت تضاد میتواند در شناخت جهان به کودک مؤثر باشد. در شعر کودک و نوجوان گاهی نمونه‌هایی از تضاد بزرگسال را نیز میتوان دید. مثلاً تضاد اهورامزدا و اهریمن: «چون فروغ اهورامزدائی/ چشم اهریمن از تو کور شود» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۲۰۱).



با توجه به نمودار، کشاورز در سروده‌های خود، بیش از دو شاعر دیگر از آرایهٔ تضاد بهره گرفته است. **اغراق:** کودک و نوجوان به اقتضای سن خود خیال می‌بافند و در خیالبافی خود هر چیزی را بزرگ جلوه میدهند و به وجد می‌آیند. برای آنها غیرممکنها هیجان‌آور است. مثلاً اگر بشنوند که ساق دست کسی آهنین است به شور می‌آیند.

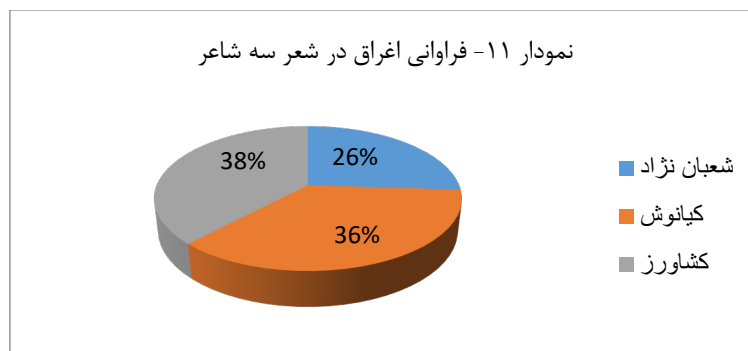
«سایه‌انداز و خوش بر و بالا/ آهنین ساقه و گران جانم» (کیانوش، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

«گفتم بله در سینه من/ مهر پدر صد آسمان است» (همان، ۱۴۵).

«قد صد تا دریا/ دوست دارم او را» (کشاورز، ۱۳۷۲: ۸).

«کوه شهر ما/ هست قدبلند/ ایستاده است/ مثل کله‌قند/ روی کله‌اش/ هست یک کلاه/ روزها به من/ میکند نگاه/ سر کشیده است/ تا به آسمان/ خوش به حال آن/ کوه مهربان» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۱ ب: ۶).

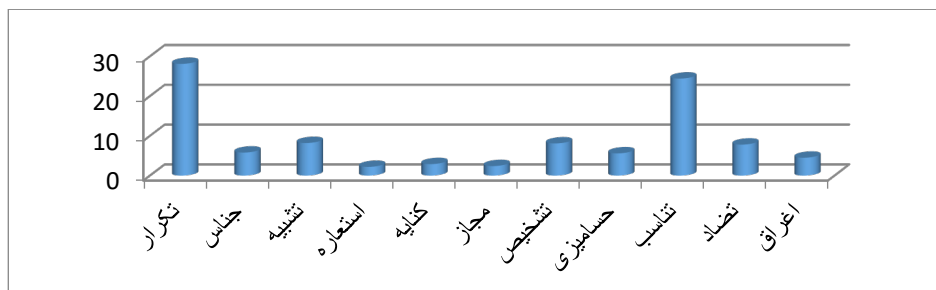
نباید این نکته را فراموش کرد که ژرف‌ساخت اغراق، تشبیه است. مثلاً یک قطره اشک که به سیلِ روان مانند است، علاوه بر داشتن همانندی، در بزرگ کردن و تأثیردار کردن کلام هم مؤثر است: «یک دانه اشک در چشم غمناک/ بر دامن خاک، سیلِ روان است» (کیانوش، ۱۳۷۰: ۴۵).



با توجه به نمودار، بسامد کاربرد این آرایه در شعر کشاوری بیشتر بوده است و بعد از او کیانوش قرار می‌گیرد و بسامد استفاده شعبان‌نژاد از این صنعت از همه کمتر است.

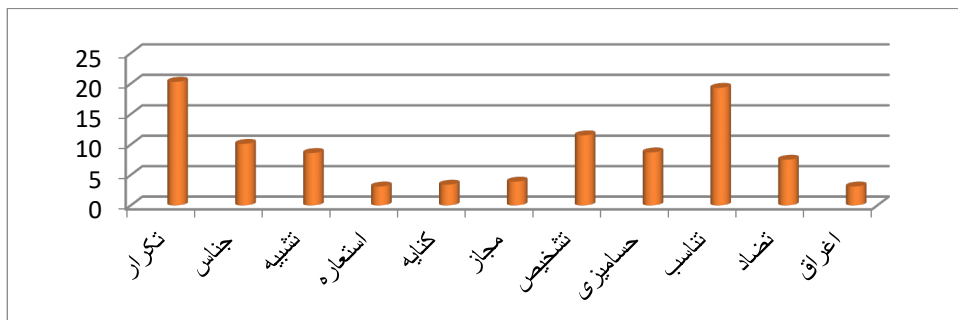
نتیجه‌گیری

در این تحقیق زیبایی‌شناسی شعر کودک در آثار سه شاعر برجسته حوزه کودک یعنی افسانه شعبان‌نژاد، محمود کیانوش و ناصر کشاوری بررسی شد. هر سه شاعر اوزان متنوع و گوناگونی را بکار برده‌اند، ولی با آگاهی از تأثیر قابل توجه موسیقی بیرونی، اوزان شاد، کوتاه و ضربی را انتخاب کرده و بدین ترتیب در جذب مخاطبان کودک خود موفق عمل کردند. البته در اشعار این سه شاعر اشعاری هم دیده می‌شود که وزن منظمی ندارند و شاعران تنها قافیه و آهنگ کلام را رعایت کرده‌اند که در این میان تنوع اوزان در سروده‌های کشاوری، بیشتر بچشم می‌خورد. آنان با بکار بردن قافیه‌ها و ردیف‌های گوناگون حرفی، اسمی و فعلی سبب افزایش جنبه موسیقایی و ریتمیک شعر، هماهنگی خواننده با شعر و جذب مخاطب کودک شده‌اند. هر سه شاعر از آرایه‌ها و صناعات ادبی در زیبایی سروده‌های خود بهره برده‌اند که نمودار کاربرد هریک از این آرایه‌ها در آثار آنان بطور جداگانه ترسیم می‌شود.



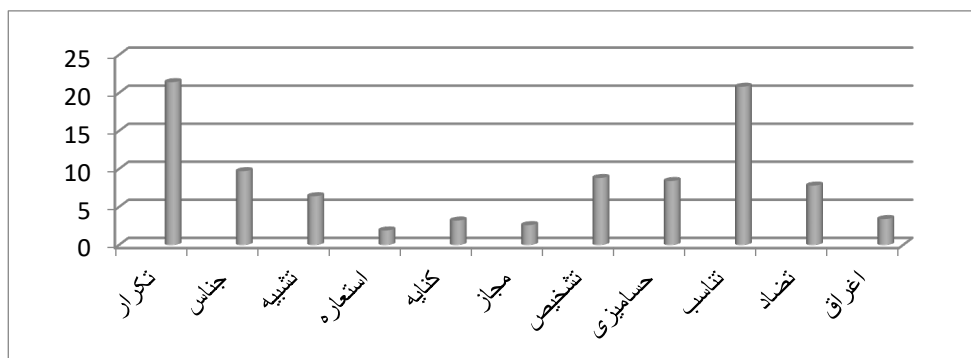
نمودار ۱۲- فراوانی عناصر زیبایی‌شناسی شعر افسانه شعبان‌نژاد

در آثار شعبان‌نژاد تکرار ۲۸.۱ درصد؛ جناس ۵.۸ درصد؛ تشبیه ۸.۲ درصد؛ استعاره ۲.۲ درصد؛ کنایه ۲.۹ درصد؛ مجاز ۲.۴ درصد؛ تشخیص ۸.۱ درصد؛ حس‌آمیزی ۵.۶ درصد؛ تناسب ۲۴.۴ درصد؛ تضاد ۷.۸ درصد؛ و اغراق ۴.۵ درصد بکار رفته است که از میان همه آرایه‌ها تکرار و تناسب بیشترین کاربرد را داشته و در میان صور خیال تشبیه بیش از همه بکار رفته است.



نمودار ۱۳- فراوانی عناصر زیبایی‌شناسی در شعر محمود کیانوش

در آثار کیانوش تکرار ۲۰.۳ درصد؛ جناس ۱۰.۱ درصد؛ تشبیه ۸.۶ درصد؛ استعاره ۳.۱ درصد؛ کنایه ۳.۴ درصد؛ مجاز ۳.۹ درصد؛ تشخیص ۱۱.۵ درصد؛ حس‌آمیزی ۸.۷ درصد؛ تناسب ۱۹.۳ درصد؛ تضاد ۷.۵ درصد؛ اغراق ۳.۱ درصد بکار رفته است که از میان همه آنها به ترتیب بسامد تکرار، تناسب و تشخیص بیشترین کاربرد را داشته و کیانوش در میان عناصر خیال از تشبیه بیشترین بهره را برده است.



نمودار فراوانی عناصر زیبایی‌شناسی در شعر ناصر کشاورز

در آثار کشاورز تکرار ۲۱.۴ درصد؛ جناس ۹.۷ درصد؛ تشبیه ۶.۴ درصد؛ استعاره ۱.۹ درصد؛ کنایه ۳.۲ درصد؛ مجاز ۲.۶ درصد؛ تشخیص ۸.۸ درصد؛ حس‌آمیزی ۸.۴ درصد؛ تناسب ۲۰.۸ درصد؛ تضاد ۷.۸ درصد؛ اغراق ۳.۴ درصد بکار رفته است. از میان همه آنها، تکرار، تناسب و تشخیص به ترتیب بیشترین بسامد را داشته و در میان صور خیال تشبیه پرکاربردترین بوده است.

بررسیها نشان داده شاعران حوزه کودک با بکار بردن تکرار، تناسب تشخیص توانستند بر زیبایی اشعار و جذاب

نمودن آن برای مخاطبان خود بیفزایند. آنان در این راه از فنون بیانی نیز بهره بردند که چون کودک با تشبیه و همانندسازی بهتر میتواند ارتباط برقرار کند، این آرایه بیش از همه در شعر سه شاعر بچشم میخورد. نتیجه مقایسه سه شاعر در کاربرد هریک از آرایه‌ها نیز چنین است: بهره‌گیری ناصر کشاورز از آرایه‌های تکرار، حس‌آمیزی، تناسب، تضاد و اغراق در زیباسازی و جذب مخاطب بیش از کیانوش و شعبان‌نژاد بوده است و کیانوش از آرایه‌های جناس، تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و تشخیص نسبت به کشاورز و شعبان‌نژاد بهره بیشتری برده است. در همه موارد بسامد بهره‌گیری شعبان‌نژاد از صناعات ادبی نسبت به دو شاعر دیگر کمتر بوده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک استخراج شده است. آقای دکتر مجید عزیزی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای عباس صیادی دریکناری بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر شاهرخ حکمت به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Alipour, Manouchehr. (۲۰۱۴). Familiarity with children's literature. Tehran: Tigran.
- Ghezel Ayagh, Sorayya. (۲۰۱۰). Children and adolescent literature and reading promotion. Tehran: Samt.
- Gordon, Michael et al. (۱۹۹۶). Helping the speech and language development of mentally retarded children. Translated by Behjoo, Khojasteh Mehr and Roustaei. Tehran: Roy.
- Keshavarz, Nasser. (۲۰۱۴a). I ran and ran to my big toe. Tehran: Ofogh.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۸۹). Me and the ducks. Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۱). From canary to crow. Tehran: Kuchak Jangali.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۳). Water, Dad, Midwife. Tehran: Qadiani.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۴). Paper boat. Tehran: Shafaq.

- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۷ b). The smell of walnuts. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۷ c). Checks of singing, pieces of moonlight. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۷ d). Better than flower leaves. Tehran: Soroush.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۷). The fish gave me water. Tehran: Ofogh.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۷a). Ahe Pooneh. Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۸). Hello their fruits! Their shadows are a breeze. Tehran: Qadiani.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۹ d). The cat gave me fruit. Tehran: Ofogh.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۹a). Adam and Butterfly. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۹b). what do you look like?. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Keshavarz, Nasser. (۱۹۹۹c). Sib Jan Salam. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Keshavarz, Nasser. (۲۰۰۰ b). Patek to the moments. Tehran: Sarir.
- Keshavarz, Nasser. (۲۰۰۰ a). The smell of narcissus. Mashhad: To be published.
- Keshavarz, Nasser. (۲۰۰۱). Greener than a tree. Tehran: Altar of Pen.
- Keshavarz, Nasser. (۲۰۰۴). Short pencil. Tehran: Shabaviz.
- Keshavarz, Nasser. (۲۰۱۴ b). I ran and ran to reach a leopard. Tehran: Ofogh.
- Keshavarz, Nasser. (۲۰۱۴ c). The crow does not know. Tehran: Peydayesh.
- Keshavarz, Nasser. (۲۰۱۷). Hard turtle flight. Tehran: Ofogh.
- Keshavarz, Nasser. (۲۰۰۵). He was a crow and a crow. Tehran: Ofogh.
- Kianoosh, Mahmoud. (۱۹۷۳). Children's poetry in Iran. Tehran: Agah.
- Kianoosh, Mahmoud. (۱۹۹۱). Garden of the Stars. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Kianoosh, Mahmoud. (۱۹۹۹). Children of the world. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Kianoosh, Mahmoud. (۲۰۰۰). The language of things. Tehran: Center for the Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Kianoosh, Mahmoud. (۲۰۰۳). Indian green parrot. Tehran: Center Education Intellectual Children Adolescents.
- Mahmoudi, Alireza And Kichi, Zahra. (۲۰۱۳). Stylistics of the use of metaphorical images in children and adolescents' poetry (based on a case study of the works of Mostafa Rahmandoust and Afsaneh Shabannejad), *Specialized Quarterly of Persian Stylistics and Poetry (Spring of Literature)*, ۶ (۴), pp. ۲۶۳- ۲۸۲.
- Mustafavi, Sufi. (۲۰۰۱). Poet of dandelions and narrator of mirrors. Tehran: Nasim Danesh.
- Salajegheh, Parvi. (۲۰۰۸). From this eastern garden. Tehran: Center for the intellectual development of children and adolescents.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۱۹۹۰b). Umbrella of petals. Tehran: Center Education Intellectual Children Adolescents.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۱). I have a night's bowl. Tehran: Madrese.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۲ a). Wind Wind Kite. Tehran: Zeytoun.

- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۲ b). Paper boat. Tehran: Madrese.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۲ c). I and the doll. Tehran: Altar of Pen.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۴ a). Shadows of kindness. Tehran: Altar of Pen.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۴ b). Who was it? What was it? Tehran: Butterfly books.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۴ c). I dreamed of a forest. Tehran: Center Education Intellectual Children Adolescents.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۱۹۹۰ a). Pooneha and Butterflies. Tehran: Soroush.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۱۹۹۵). Feast of Sparrows. Tehran: Center Education Intellectual Children Adolescents.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۵ b). Lily Lily Pond, small glove. Tehran: Borhan School.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۵ a). Kind roof. Tehran: Borhan School.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۷ b). Summer. Tehran: Butterfly Books.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۷). Ai Zangoleh Ai Zangoleh. Tehran: Butterfly Books.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۷). The bird said, "I am a poet". Tehran: Center Education Intellectual Children Adolescents.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۸ b). Ten dozen wolves are coming. Tehran: Butterfly Books.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۰۸ a). Desi Daddy comes. Tehran: Butterfly Books.
- Sh'abannejad, Afsaneh. (۲۰۱۲). Singing glass. Tehran: Center Education Intellectual Children Adolescents.
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۰۶). Music Poetry. Tehran: Agah.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۱۴). A fresh look at the novelty. Tehran: Tehran: Mitra.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۰۷). Familiarity with pronouns and rhymes. Tehran: Mitra.
- Volk, Rene and Austen Warren. (۱۹۹۴). Literary theory. Translated by Zia Movahed and Parviz Mohajer. Tehran: Scientific and cultural.

فهرست منابع فارسی

- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۷). از این باغ شرقی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۱ الف). باد باد بادبادک. تهران: زیتون.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۳ ب). کی بود؟ چی بود؟. تهران: کتابهای پروانه.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۴ الف). بام مهربان. تهران: مدرسه برهان.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۶ الف). آی زنگوله آی زنگوله. تهران: کتابهای پروانه.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۶۹ الف). پونه‌ها و پروانه‌ها. تهران: سروش.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۶۹ ب). چتری از گلبرگها. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۷۴). جشن گنجشکها. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۰). یک کاسه شبنم. تهران: مدرسه.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۱ ب). قایق کاغذی. تهران: مدرسه.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۱ ج). من و عروسک. تهران: محراب قلم.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۳ الف). سایه‌های مهربان. تهران: محراب قلم.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۴ ب). لیلی لیلی حوضک، دستکش کوچک. تهران: مدرسه برهان.

- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۴ج). من و خواب جنگل. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۶). پرنده گفت شاعرم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۶ب). تابستان. تهران: کتابهای پروانه.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۷الف). دس دسی بابا میاد. تهران: کتابهای پروانه.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۷ب). دس دسی گرگه میاد. تهران: کتابهای پروانه.
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۹۱). شیشه‌آواز. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). موسیقی شعر. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). آشنایی با عروض و قافیه. تهران: میترا.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). نگاهی تازه به بدیع. تهران: تهران: میترا.
- علی‌پور، منوچهر. (۱۳۹۳). آشنایی با ادبیات کودکان. تهران: تیرگان.
- قزل‌ایغ، ثریا. (۱۳۸۹). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. تهران: سمت.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۰). از قناری تا کلاغ. تهران: کوچک جنگلی.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۶۸). من و مرغابیها. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۲). آب، بابا، ماما. تهران: قدیانی.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۳). قایق کاغذی. تهران: شفق.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۶). ماهی به من آب داد. تهران: افق.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۶الف). آه پونه. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۶ب). بوی گردوهای کال. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۶ج). چکته‌ای آواز، تگه‌ای مهتاب. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۶د). از برگ گل بهتر. تهران: سروش.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۷). میوه‌هایشان سلام! سایه‌هایشان نسیم. تهران: قدیانی.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۸الف). آدم و پروانه. مشهد: آستان قدس رضوی.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۸ب). تو چه شکلی هستی؟ مشهد: آستان قدس رضوی.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۸ج). سیب جان سلام. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۸د). گریه به من میو داد. تهران: افق.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۹الف). بوی نرگس. مشهد: به نشر.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۷۹ب). پاتک به لحظه‌ها. تهران: صریر.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۸۰). سبزر از درخت. تهران: محراب قلم.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۸۳). مداد کوتاه. تهران: شباویز.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۸۴). کلاغی و کلاغی بود. تهران: افق.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۹۳الف). دویدم و دویدم به شست پام رسیدم. تهران: افق.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۹۳ب). دویدم و دویدم به یک پلنگ رسیدم. تهران: افق.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۹۳ج). کلاغه خبر نداره. تهران: پیدایش.
- کشاورز، ناصر. (۱۳۹۶). پرواز سخت لاک‌پشت. تهران: افق.

کیانوش، محمود. (۱۳۵۲). شعر کودک در ایران. تهران: آگاه.

کیانوش، محمود. (۱۳۷۰). باغ ستاره‌ها. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

کیانوش، محمود. (۱۳۷۸). بچه‌های جهان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

کیانوش، محمود. (۱۳۷۹). زبان چیزها. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

کیانوش، محمود. (۱۳۸۲). طوطی سبز هندی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

گوردون، میخائیل و همکاران. (۱۳۷۵). کمک به رشد گفتار و زبان کودکان عقب‌مانده ذهنی تربیت‌پذیر. ترجمه به‌پژوه، خجسته مهر، و روستایی. تهران: روی.

محمودی، علیرضا. و کیچی، زهرا. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی کاربرد تصاویر تشبیهی در شعر کودک و نوجوان (بر اساس مطالعه موردی آثار مصطفی رحماندوست و افسانه شعبان‌نژاد)، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، (۴) ۶، صص ۲۶۳-۲۸۲.

مصطفوی، صوفی. (۱۳۸۰). شاعر قاصدکها و راوی آینه‌ها. تهران: نسیم دانش.

ولک، رنه و آوستن وارن. (۱۳۷۳). نظریه ادبیات. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: علمی و فرهنگی.

معرفی نویسندگان

عباس صیادی دریاکناری: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

(Email: abas.sayyadi.ut.ac@mail.ir)

مجید عزیزی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

(Email: m-azizi@iau-arak.ac.ir : نویسنده مسئول)

شاهرخ حکمت: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

(Email: sh-hekmat@iau-arak.ac.ir)

COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Abbas Sayyadi Daryakenari: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

(Email: abas.sayyadi.ut.ac@mail.ir)

Majid Azizi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

(Email: m-azizi@iau-arak.ac.ir : Author responsible)

Shahrokh Hekmat: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

(Email: sh-hekmat@iau-arak.ac.ir)